

Evaluation of the adjective "Ghayr" in the translations of the Holy Quran

Ali Asvadi*

Khadijeh Ahmadi Beghash**

Abstract

Translation of holy texts and especially the Holy Quran is one of the propaganda necessities of Islam. Attention to the trans-temporal and trans-spatial mission of the Qur'an has led many scholars throughout the history of Islam to translate the Qur'an. Among them is the accuracy in translating the morpheme "other" in the Holy Qur'an. Now the question is, what exactly does the adjective "non" descriptive mean? Descriptive-analytical evaluation and critique of examples of famous contemporary translations such as Ansarian, Ayati, Elahi Ghomshei, Boroujerdi, Khosravi, Rezaei, Saffarzadeh, Garmaroodi, Mostafavi, Makarem Shirazi, etc., from the word "other", and finally introduction The proposed translation implies that in order to remove the inherent ambiguity of this name, it must be constantly added to the meaning. "Other", then, either means an adjective, or is placed in the position of exception. Therefore, comparing the accuracy of translators in recognizing the nature of the word "other" is significant in some verses, and in some positions requires revision of the translation.

Keywords: Pathology, Translation, Quran, the adjective "Ghayr".

* PhD, Arabic Language and Literature, Assistant professor of Arabic Language and Literature,
Faculty member of Kharazmi University, Tehran, Iran, Asvadi@khu.ac.ir

** PhD in Comparative Interpretation, Professor of the Hawzah and University, Tehran, Iran,
kh.ahmadi3103@yahoo.com.

Date received: 29/12/2020, Date of acceptance: 08/05/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

ارزیابی تکواژ وصفی "غیر" در ترجمه‌های قرآن کریم

علی اسودی*

خدیدجه احمدی بیغش**

چکیده

ترجمه متون مقدس و در رأس آن قرآن کریم، از ضروریات تبلیغی دین اسلام به‌شمار می‌آید. توجه به رسالت فرا زمانی و فرا مکانی قرآن، دانشوران بسیاری را در طول تاریخ اسلام بر آن داشت تا اقدام به ترجمه قرآن کنند. از جمله آن‌ها، دقت در ترجمه تکواژ "غیر" وصفی در قرآن کریم است. حال سوال این است که تکواژ "غیر" وصفی، به صورت دقیق بر چه معنایی دلالت می‌کند. ارزیابی و نقد توصیفی تحلیلی نمونه‌هایی از ترجمه‌های مشهور معاصر همچون ترجمه انصاریان، آیتی، الهی قمشه‌ای، بروجردی، خسروی، رضایی، صفارزاده، گرمارودی، مصطفوی، مکارم شیرازی، و...، از واژه «غیر»، و در نهایت معرفی ترجمه پیشنهادی، حاکی از آن است که به دلیل رفع ابهام ذاتی این اسم، باید دائماً به جهت معنا اضافه گردد. پس "غیر"، یا به معنای صفت است، و یا در موضع استثناء قرار می‌گیرد. از این رو مقایسه میزان دقت مترجمین در تشخیص نوعیت واژه "غیر"، در برخی آیات قابل توجه بوده، و در برخی مواضع نیازمند بازنگری در ترجمه است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، ترجمه، تکواژ وصفی "غیر".

* استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، Asvadi@khu.ac.ir

** سطح چهار تفسیر تطبیقی حوزه، مدرس حوزه و دانشگاه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

Kh.ahmadi3103@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

۱. مقدمه

ترجمه متون مذهبی از دیرباز رونق فراوان داشته است. در میان کتب آسمانی، قرآن کریم دارای آن چنان اعجاز معنوی و لفظی، بلاغت و شیوایی است که آن را از سایر کتب آسمانی متمایز می‌سازد. اما امروزه به جهت عوامل گوناگونی چون فاصله گرفتن از فضای نزول، گسترش اسلام به فراتر از جزیره العرب، و... معنای واژگان قرآن کریم در ترجمه به زبان‌های دیگر از جمله فارسی، آنگونه که مراد خداوند بوده انتقال پیدا نکرده است. از جمله این ترجمه‌ها، دقت در ترجمه تکواژ "غیر" در قرآن کریم است. کلمه "غیر"، دارای یکی از این دو عنوان زیر می‌باشد:

- اصل و مطابق وضع و معنای "غیر"، این معنا که از لحاظ صفت بوده و دلالت بر تغایر موصوف با مضاف‌الیه می‌کند و موصوف آن می‌تواند نکره و معرفه قریب به نکره (معرفه غیرمحصه) باشد (حسن، ۱۳۸۸: ص ۹۲؛ استرآبادی، ۱۳۸۹: ص ۸۱).
- و یا در موضع ادات استثناء واقع شده و همان اعرابی که مستثنی به اِلَّا دارد را می‌گیرد (صدری، ۱۳۹۰: ص ۱۴۹).

به عنوان نمونه، در آیه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (فاطر، ۳) اصل وضع تکواژ «غیر» معنای مغایرت را بیان می‌کند؛ مغایرتی که می‌تواند در ذات یا صفت باشد و تغایر مجرورش (مضاف‌الیه آن) با موصوف خود (کلمه منتسب به آن در جمله) را تبیین می‌کند. مثلاً «محمد غیر ابراهیم» معنایش تغایر ذات محمد با ابراهیم است. اما در آیه: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ» (نساء، ۹۵) مغایرت در صفت اراده شده است (سامرائی، ۲۰۱۲: ص ۱۲۴؛ ابن هشام، ۱۴۲۸: ص ۷۵؛ ابن عقیل، ۱۳۸۹: ص ۱۰۲)

لازم به ذکر است بررسی برخی از ترجمه‌های فارسی معاصر از قرآن کریم نشان می‌دهد مترجمین در ترجمه واژه "غیر" در برخی از آیات قرآن کریم نتوانسته‌اند به صورت صحیح و دقیق معنای این تکواژ را منتقل نمایند. این امر به گونه ای است که می‌توان گفت میزان اشتباه و عدم دقت در ترجمه این تکواژ در ترجمه برخی آیات، قابل توجه است، به گونه‌ای که تعداد ترجمه‌های صحیح از این آیات انگشت‌شمار می‌نماید. در این تحقق به ارزیابی تکواژ "غیر" وصفی در برخی از ترجمه‌های معاصر از قرآن کریم

هم‌چون ترجمه: آیتی، ارفع، الهی قشمه‌ای، انصاریان، بروجردی، برزی، پاینده، پورجوادی، حلبی، خسروی، خواجوی، رضایی، رهنما، سراج، شعرانی، صفارزاده، طاهری، فولادوند، قرشی، مجتبوی، مکارم شیرازی، پرداخته و با بیان نمودار ترجمه پیشنهادی صحیح ارائه می‌گردد.

۲. پیشینه پژوهش

براساس بررسی‌های انجام گرفته، اثری مستقل در قالب کتاب، مقاله و یا پایان‌نامه در زمینه موضوع این مقاله یافته نشد. درباره نقد ترجمه‌های قرآن کریم نیز باید اشاره کرد که به سالیان دور باز نمی‌گردد. اولین نقدی که بر ترجمه‌های قرآن کریم نگاشته شده، ظاهراً نقد استاد شهید مطهری بر ترجمه ابوالقاسم پاینده است (به نقل از: صدری، ۱۳۹۰: ص ۱۵۳). پس از آن بسیاری از بزرگان در این زمینه دست به قلم برده‌اند که غالباً نقدی بر ترجمه یکی از مترجمین بوده است. در سال‌های اخیر نیز کارهایی در این حوزه صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به مقاله: آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم و طبقه‌بندی نقدهای ارائه شده از محمد جعفر صدری، فصلنامه پژوهش و حوزه، سال دهم، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۳۷، و مقاله: آسیب‌شناسی ترجمه‌های قرآن از محمدعلی رضایی اصفهانی، مجله پژوهش‌های قرآنی، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۴۴، اشاره کرد. مقالات ذکرشده به دسته‌بندی انواع آسیب‌های ترجمه پرداخته و آن‌ها را به‌طورکلی معرفی نموده‌اند و در ادامه برای تفصیل بیشتر به توضیح نمونه‌هایی پرداخته‌اند. برخی دیگر از نویسندگان به شکل دقیق‌تر و جزئی‌تر به آسیب‌شناسی پرداخته‌اند برای مثال مقاله: روش‌شناسی ترجمه ادوات تأکید در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم (مطالعه موردی: إن، إنَّما، نون تأکید)، از مهدی ناصری و دیگران (دوفصلنامه ترجمه قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۴) که به بررسی ترجمه برخی ادوات تأکید پرداخته است، همچنین می‌توان به مقاله: بررسی معانی مختلف حرف «لکن» و نقد ترجمه‌های فارسی آن در قرآن کریم، از عیسی متقی‌زاده و سید علاء نقی‌زاده، دوفصلنامه ترجمه قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۲، اشاره کرد.

۳. تعریف "غیر"

کلمه "غیر" اسم بوده و دارای تمام خصوصیات اسم می‌باشد. این کلمه از اسماء دائم‌الاضافه می‌باشد و به جهت وجود ابهام ذاتی معنوی آن، باید برای رفع این ابهام همواره از حیث معنا اضافه گردد، چه کلمات و الفاظ آن معنا در کلام ذکر شده باشد و چه ذکر نشده باشد. بنابراین جایز است که در لفظ، قطع از اضافه گردد، و مضاف الیه آن ذکر نشود البته به دو شرط: ۱. معنای مضاف الیه معلوم باشد. ۲. قبل از "غیر" کلمه لیس باشد. ولی باید مضاف‌الیه در نیت بوده که "غیر" به آن اضافه گردد تا ابهام معنوی آن مرتفع شود، بنابراین قول بعضی از علما که می‌گویند: "لاغیر" و مضاف‌الیه آن را حذف می‌کنند اشتباه است زیرا قبل از "غیر" کلمه "لیس" وجود ندارد. کلمه "غیر" از اسماء دائم‌الاضافه معنوی به مفرد است (سیوطی، ج ۱، ۱۳۹۱: ص ۳۳۴؛ ابن هشام، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۴۵۳؛ بدیع یعقوب، ج ۷، ۲۰۰۶: ۱۵). کلمه "غیر" از ادات اسمی استثناء نیز به حساب می‌آید (ابن هشام، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۱۲۱؛ حسن، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۳۱۸).

۴. جوه استعمالی "غیر"

کلمه "غیر" با اضافه شدن، هرچند مضاف‌الیه آن معرفه باشد، معرفه نمی‌گردد زیرا این کلمه ذاتاً ابهام دارد. بطوری‌که اگر اضافه نشود در نهایت ابهام بوده و اگر اضافه به کلمه‌ای نیز بشود معنای آن، چیزی به غیر از مضاف‌الیه می‌باشد که تمامی عالم به جز آن مضاف‌الیه مصداق آن خواهد بود به همین جهت علما می‌گویند "غیر" کلمه‌ای است که هر چه به آن اضافه شود آنکر خواهد شد. (ابن هشام، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۴۵۸؛ ابن عقیل، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۵۰۷) بنابراین "غیر"، یکی از اسماء متوغلّه در ابهام است که در صورت اضافه شدن نیز، معرفه نمی‌شود هرچند مضاف‌الیه آن معرفه باشد. کلماتی مانند: مثل، شبه، سوی نیز از این دسته‌اند.

اگر "غیر" قطع از اضافه گردد، یا اسم لیس و یا خبر آن است. اما اگر کلمه "غیر" اضافه شد و در عبارات به صورت مضاف استعمال گردید، دارای یکی از این دو عنوان زیر می‌باشد: ۱. اصل و مطابق وضع و معنای "غیر"، به این معنا که صفت بوده و دلالت بر تغایر موصوف با مضاف‌الیه می‌کند، و موصوف آن می‌تواند نکره و معرفه قریب به نکره (معرفه غیر محضه) باشد. ۲. دوّمین وجه استعمالی و عنوان نحوی "غیر"، این است که در

ارزیابی تکواژ وصفی "غیر" ... (علی اسودی و خدیجه احمدی بیغش) ۴۱

موضع ادات استثناء واقع شده و در این صورت، "غیر" همان اعرابی که مستثنی، آن اعراب را اگر در کلام به جای "غیر"، إلاً قرار داشت می‌گرفت، می‌گیرد (ابن هشام، ۱۴۴۱: ج ۲، ص ۴۵۶؛ ابن عقیل، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۳۴۲؛ حسن، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۳۴۳؛ الرضی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۱۰۲).

۵. ارزیابی ترجمه‌های ارائه شده از "غیر" وصفی

برخی از آیاتی که "غیر" وصفی در آن‌ها به کار رفته است عبارتند از:

۱.۵ «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَأَضَالِينَ» (الفاتحه، ۷).

در این آیه "غیر" صفت برای "الذین" واقع شده است (نجاس، ۱۴۲۱: ج ۱، ص ۲۱؛ صافی، ۱۴۱۸: ج ۱، ص ۲۹؛ دعاس، ۱۴۲۵: ج ۱، ص ۹؛ عکبری، ۱۴۱۹: ص ۱۳). برخی از علما همچون المبرد بر این امر اعتراض کرده‌اند که: "غیر" چون نکره است، نمی‌تواند صفت برای معرفه واقع شود. در پاسخ به این اعتراض دو وجه بیان گردیده است: اول: زمانی که "غیر" بین دو متضاد واقع شود - مثل آیه ذکر شده - منحصر شده و معرفه به اضافه می‌شود. دوم: اسم موصول و مانند آن ذاتاً از جهت لفظ معرفه‌اند اما به علت ابهامی که در آن‌ها وجود دارد، با آن‌ها معامله نکره می‌شود. (صافی، همان‌جا؛ عکبری، همان‌جا)

۱.۱.۵ بررسی ترجمه‌های آیه

تعدادی از ترجمه‌هایی که در ذیل این آیه صورت گرفته عبارت است از:

نام مترجم	ترجمه آیه	تحلیل ترجمه
آبتی	راه کسانی که ایشان را نعمت داده‌ای، نه خشم گرفتگان بر آنها و نه گمراهان.	متفاوت
الهی قمشه ای	راه آنان که به آنها انعام فرمودی، نه راه کسانی که بر آنها خشم فرمودی (قوم یهود) و نه گمراهان (چون اغلب نصاری).	متفاوت
انصاریان	راه کسانی [چون پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان] که به آنان نعمت [ایمان، عمل شایسته و اخلاق حسنه] عطا کردی، هم آنان که نه موردخشم تواند و نه گمراه‌اند.	صحیح

بروجردی	راه آنان که بایشان نعمت دادی نه راه کسانی که بر آنان خشم نمودی و نه راه گمراهان.	متفاوت
حلبی	راه آنان که به آنان نعمت داده‌ای نه [راه آنان که] بر آنها خشم گرفته‌ای و نه [راه] گمراهان.	متفاوت
خسروی	به راهی رهنمائی فرما که موفقیین به دین و طاعت و متنعمین به اسلام و عبادت خود را راهنمائی فرموده‌ای. نه راهی که یهودان رفته و مورد غضب و خشم تو قرار گرفته‌اند، و نه راهی که نصاری رفته و بگمراهی افتاده‌اند.	متفاوت
رضایی	راه کسانی که به آنان نعمت دادی، (همان کسانی که) بر آنان خشم نشده است و [از] گمراهان نیستند.	صحیح
صفارزاده	راه آنانی که نعمت [رستگاری] به آنها عنایت فرمودی نه آنان که [به واسطه‌ی انکار حق] به غضب الهی گرفتار شدند و نه گمراهان .	متفاوت
مصطفوی	راهی که خود برپا و به حال طبیعی استقامت و تداوم دارد، و راه آن کسانی که عیش و زندگی پاکیزه و طیب و خوشی روحی به آنان داده، و غضب و تندی در باره آنان واقع نشده، و از راه حق و مستقیم گمراه نیستند.	صحیح
فولادوند	راه آنهایی که برخوردارشان کرده‌ای، همانان که نه درخور خشم‌اند و نه گمگشتگان.	صحیح
گرمارودی	راه آنان که به نعمت پرورده‌ای که نه بر ایشان خشم آورده‌ای و نه گمراه‌اند.	صحیح
مکارم شیرازی	راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای و نه گمراهان.	متفاوت

۲.۱.۵ تحلیل تفسیری

شیخ طوسی در تفسیر خود ذیل این آیه می‌گوید: «جمع مفسرین و قاریان اعتقاد به جرّ "غیر" دارند زیرا نعت برای الذین است، و فقط جایز است نعت باشد. الذین با اینکه معرفه و غیر نکره است اما به همراه صله اش کسب معرفت نکرده، و مثل نکره است. بنابراین جایز است که «غیر» صفت برای الذین باشد» (طوسی، بی تا: ج ۱، ص ۴۴). طبرسی نیز معتقد است:

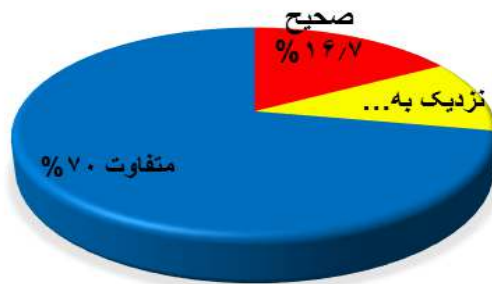
(غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ) یا بدل است از (الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ) تا معنای آیه این باشد که آن‌هایی که نعمت داده شده‌اند، کسانی هستند که از غضب خدا و گمراهی محفوظ مانده‌اند و یا «صفت» است تا معنایش این باشد: کسانی که به آنان نعمت عطا شده [انبیا و اولیاء] میان نعمت مطلقه که همان عصمت باشد و میان نعمت ایمن بودن از خشم خداوند و گمراهی جمع کرده‌اند، یعنی از هر دو نعمت برخوردارند.

ارزیابی تکواژ وصفی "غیر" ... (علی اسودی و خدیجه احمدی بیغش) ۴۳

جایز است که "غیر" در آیه «صفت» باشد، گرچه "غیر" نه صفت برای «معرفه» واقع می‌شود نه با اضافه به معرفه کسب تعریف می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۳۰۱).

بسیاری از مفسرین دیگر هم بر همین عقیده‌اند که با عبارت «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» آنها را توصیف نموده است یعنی، آنان کسانی هستند که نه مورد خشم و غضب واقع شده‌اند، نه گمراه گشته‌اند (گنابادی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۳۰۱؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴: ج ۱، ص ۱۹۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۶). لذا با توجه به نظر علما، کلمه "غیر" در این آیه وصفی است؛ و ترجمه ای که پیشنهاد می‌شود عبارتند از: «راه کسانی که به ایشان نعمت داده ای، همان کسانی که مغضوب و گمراه نیستند.»

۳.۱.۵ نمودار و تحلیل درصد صحت ترجمه‌ها



همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ترجمه‌های ارائه شده از تکواژ "غیر" در این آیه که در بالا بدان پرداخته شد ترجمه آقایان خواجوی، طبری، ارفع، اشرفی، برزی، پاینده، طالقانی، پورجوادی، رهنما، ثقفی، سراج، شعرانی، طاهری و بسیاری دیگر نیز متفاوت با معنای وصفی "غیر" در این آیه است، اکثر مترجمین بدون توجه به وصف بودن "غیر" در آیه، آن را به صورت "غیر" وصفی و در معنای الّا ترجمه کرده‌اند.

۲.۵ «...وَلَا يُبَدِّلْنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِيُعَوِّلَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءَهُنَّ أَوْ إِخْوَانَهُنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانَهُنَّ أَوْ بُنَىٰ أَخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ...» (نور، ۳۱).

در این آیه "غیر" صفت برای «تابعین» است (صافی، ۱۴۱۸: ج ۱۸، ص ۲۵۴؛ دعاس، ۱۴۲۵: ج ۲، ص ۳۵۱؛ درویش، ۱۴۱۵: ج ۶، ص ۵۹۶؛ عکبری، ۱۴۱۸: ج ۱، ص ۲۸۰).

۱.۲.۵ بررسی ترجمه‌های آیه

برخی از ترجمه‌هایی که از این آیه صورت گرفته عبارت است از:

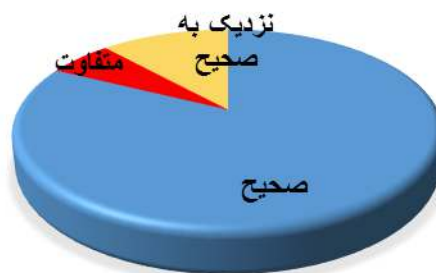
نام مترجم	ترجمه آیه	تحلیل ترجمه
آیتی	... یا مردان خدمتگزار خود که رغبت به آن ندارند....	صحیح
ارفع	... و به زنان یا ایمان بگو: دیدگان خود را از نامحرمان ببندند و فروج خود را حفظ کنند و زینت خود را جز آنچه که آشکار است نمایان نکنند. ...	صحیح
اشرفی	... پیروان غیر صاحبان حاجت....	صحیح
الهی قمشه ای	... ملکی خویش یا مردان اتباع خانواده که رغبت به زنان ندارند....	صحیح
انصاریان	... یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده لوح و کم عقل اند و نیاز شهوانی حس نمی‌کنند. ...	صحیح
بروجردی	... و مرد یا بچه‌هایی که از عورت زنها بی‌خبر می‌باشند....	صحیح
برزی	... یا خدمتکاران مرد که نیازمند [به زن] نیستند. ...	صحیح
پاینده	... یا مردان پیر و بی‌تمنا. ...	نزدیک به صحیح
حلبی	... یا تابعان بی‌نیاز از مردان...	نزدیک به صحیح
خواجه‌جوی	... یا مردان بی‌تمنا....	صحیح
رضایی	... مردان (خدمتکار) تابع (خانواده) که (از زنان) بی‌نیازند....	صحیح
رهنما	... تابعان بی‌نیاز از زن....	صحیح
شعرانی	... پیروان غیر صاحبان حاجه....	متفاوت
طاهری	... وابستگی که تمایل جنسی ندارند....	صحیح
مکارم شیرازی	... یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند....	صحیح
مجتبوی	... یا مردان تابع خانواده- طفیلی و کم خرد که با آنان زندگی می‌کنند- که به زنان رغبت و نیازی ندارند....	صحیح
قرشی	... به غلامانشان یا به سفیهان که حاجتی به نکاح ندارند. ...	صحیح

۲.۲.۵ تحلیل تفسیری

کلمه «الْإِرْبَةِ» در آیه: «أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ» به معنای حاجت است، و منظور از این حاجت، شهوتی است که مردان را محتاج به ازدواج می‌کند، و کلمه من الرجال بیان تابعین است. مراد از این رجال تابعین، افراد سفیه و ابله هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ص ۱۵۷). همچنین در تفسیر دیگری از این آیه آمده است: «"غیر" را به جرّ خوانده اند بنا بر وصفیت» (طبرسی، ج ۴، ۱۳۷۷: ص ۳۰۷). و یا برداشت تفسیری دیگری نیز در ذیل این آیه بیان شده است: «مقصود آن مردان عَنین است که از انجام عمل جنسی عاجز هستند، شافعی گفته است: یعنی آنها که اخته شده‌اند و میل به زن در آنها نمانده است. برخی دیگر از مفسرین نیز معتقدند: مقصود مرد پیر از کار مانده است، و از ابوحنیفه و همفکرهای او نقل شده است که مقصود غلام غیر بالغ است. کلمه "غیر" در این جمله با صدای بالا و نصب و هم با صدای زیر و جرّ خوانده شده و نتیجه‌ی معنی به- هر دو قرائت یکی است» (عاملی، ۱۳۶۰: ص ۳۲۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۲۳۲؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴: ج ۱۸، ص ۱۷۰). لذا معنای زیر از این آیه پیشنهاد می‌شود:

«... یا تابعینی که نیاز شهوانی ندارند ...»

۳.۲.۵ نمودار و تحلیل درصد صحت ترجمه‌ها



همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ترجمه‌های ارائه شده از تکواژ "غیر" در این آیه که در بالا بدان پرداخته شد ترجمه آقایان آیتی، ارفع، اشرفی، انصاریان، الهی قمشه‌ای، برزی، بروجردی، خواجوی، رضایی، رهنما، طاهری، قرشی، مجتوری، مکارم شیرازی،

به معنای وصفی "غیر" در این آیه اشاره داشته اند. برخی دیگر از مترجمین همچون حلبی و پاینده نزدیک به معنای وصفی را ارائه داده، و برخی مترجمین همچون شعرانی بدون توجه به وصف بودن "غیر" در آیه، آن را به صورت "غیر" وصفی و در معنای آلا ترجمه کرده‌اند.

۳.۵ «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَارَكُمْ وَ خَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مِّنْ إِلَاهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ...» (انعام، ۴۶).

"غیر" در این آیه صفت برای «اله» است (صافی، ۱۴۱۸: ج ۷، ص ۱۴۹؛ دعاس، ۱۴۲۵: ج ۱، ص ۳۰۴؛ درویش، ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۱۱۷؛ عکبری، ۱۴۱۸: ج ۱، ص ۱۴۴).

۱.۳.۵ بررسی ترجمه‌های آیه

ترجمه‌های ارائه شده ذیل این آیه عبارت است از:

نام مترجم	ترجمه آیه	تحلیل ترجمه
آیتی	... و بر دل‌هایتان مهر نهد چه خدایی جز الله آنها را به شما باز می‌گرداند؟	نزدیک به صحیح
ارفع	... و مهر بر قلبهای شما بزند، چه کسی جز پروردگار می‌تواند این نعمت‌ها را به شما بازگرداند؟	نزدیک به صحیح
الهی قمشه ای	... و مهر بر دل شما نهاد (تا کور و کر و جاهل شدید) کدام خدایی غیر از خدا هست که این نعمت‌ها را به شما باز دهد؟	نزدیک به صحیح
انصاریان	... و بر دل‌هایتان مهر بزند کدام معبود جز خدا می‌تواند آنها را به شما بازگرداند؟	نزدیک به صحیح
پور جوادی	... و بر دل‌هایتان مهر [تیره‌بختی] نهد، کدام معبودی جز خداست که آنها را به شما دهد؟	نزدیک به صحیح
حلبی	... و بر دل‌های شما مهر زند، بجز خدا کدام معبودی است که آنها را به شما باز دهد؟	نزدیک به صحیح
خسروی	... و بر دل‌هایتان مهر بزند و پرده‌ای بر قلبتان ببویزد کدام معبود و خدائست که آنها را به شما بدهد.	نزدیک به صحیح
خواجوی	... و بر دل‌هایتان مهر زند غیر خداوند کدام معبودی است که آنها را به شما تواند دهد؟	نزدیک به صحیح
رضایی	... و بر دل‌های شما مهر نهد، چه معبودی غیر از خدا، آن [ها] را به شما می‌دهد؟!	نزدیک به صحیح

نزدیک به صحیح	... و بر دل‌های شما مهر زند، بجز خدا کدام معبودی است که آنها را به شما باز دهد.	رهنما
نزدیک به صحیح	... و مهر نهد بر دل‌های شما کدام معبودی غیر خدا می‌آورد برای شما آن را (که خدا از شما گرفته)	سراج
نزدیک به صحیح	... و بر دل‌هایتان مهر نهد، آیا غیر از خدا کدام معبودی است که آن را به شما بازپس دهد؟	فولادوند
نزدیک به صحیح	... و بر دل‌های شما مهر نهد (که چیزی را نفهمید)، چه کسی جز خداست که آنها را به شما بدهد؟	مکارم شیرازی

۲.۳.۵ تحلیل تفسیری

شیخ طوسی در تفسیر این آیه بیان می‌دارد: «ضمیر «به» به معنای فعل برمی‌گردد. یعنی: آیا کسی هست که آنچه از شما گرفته شده است به شما باز گرداند؟ سپس می‌گوید: ممکن است این ضمیر، مستقلاً به «سمع» برگردد و «ابصار و قلوب» نیز تابع آن باشد» (طوسی، ۱۳۶۰: ج ۸، ص ۹۳). از ابن عباس در ذیل این آیه نقل است که: این خدایان مصنوعی و دروغین قادر نیستند که به پرستندگان خود گوش و چشم و دل داده، آنها را از نیروی عقل و فهم برخوردار سازند. تنها خداست که قدرت عطای این نعمتها را به انسان دارد و بهمین دلیل پرستش شایسته و مخصوص ذات بی‌همتای اوست» (شریف لاهیجی، ۱۳۷۰: ج ۱، ص ۷۶۰). بدین معنا که: «کیست خدایی غیر خدای بحق و قادر مطلق که بیارد برای شما آن چیز را که اخذ کرده از شما یعنی رد کند و برگرداند آن را» (عکبری، ۱۴۱۹: ص ۱۴۴). اغلب مفسرین بر این عقیده‌اند که مَنْ استفهامیه و در موضع رفع و مبتدا است، و إله، خبرش، و «غَيْرُ اللَّهِ»: صفت برای خبر است و «يَأْتِيكُمْ» هم در جایگاه صفت دوم برای آن است (حقی، بی تا: ج ۳، ص ۳۲). بنابراین ترجمه زیر از این آیه پیشنهاد می‌شود:

«...اگر خدا گوش‌ها و چشم‌هایتان را بگیرد و بردل‌هایتان مهر نهد، کیست خدایی که نیست غیر از او خدایی، که آنها را به شما باز پس دهد؟...»

۳.۳.۵ نمودار و تحلیل درصد صحت ترجمه

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ترجمه‌های ارائه شده از تکواژ "غیر" در این آیه که در بالا بدان پرداخته شد ترجمه آقایان آیتی، ارفع، انصاریان، الهی قمشه‌ای، پورجوادی، حلبی،

خسروی، خواجهی، رضایی، رهنما، سراج، فولادوند، مکارم شیرازی، که نزدیک به معنای صحیح آن است، در معنای وصفی "غیر" در آیه اشاره داشته اند.

۴.۵ «أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ» (نحل، ۲۱).

در این آیه «غیر» صفت برای «اموات» است و افاده تأکید می کند (صافی، ۱۴۱۸: ج ۱۴، ص ۲۹۹؛ دعاس، ۱۴۲۵: ج ۲، ص ۱۵۵؛ درویش، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۲۸۵؛ عکبری، ۱۴۱۸: ج ۱، ص ۲۲۸).

۱.۴.۵ بررسی ترجمه‌های آیه

برخی از ترجمه‌های ارائه شده در ذیل این آیه عبارت است از:

نام مترجم	ترجمه آیه	تحلیل ترجمه
آیتی	مردگانند، نه زندگان، و ندانند که چه وقت آنها را دوباره زنده می‌کنند	متفاوت
ارفع	مرده‌هایی هستند که از حیات بی‌بهره‌اند و نمی‌دانند و نمی‌فهمند کی عبادت کنندگانشان مبعوث می‌شوند.	متفاوت
الهی قمشه ای	اینها مرده و از حیات بی‌بهره‌اند و هیچ حس و شعور ندارند که در چه هنگام مبعوث می‌شوند (و که آنها را برمی‌انگیزد).	متفاوت
برزی	[آنان] مردگان بی‌جان‌اند و نمی‌دانند که چه وقت برانگیخته می‌شوند.	متفاوت
بروجردی	مرده‌هایی هستند که از حیات بهره‌ای نداشته و بی‌شعورند نمیدانند چه وقت برانگیخته میشوند	نزدیک به صحیح
پورجوادی	مردگانی هستند غیر زنده و نمی‌دانند در چه زمانی برانگیخته می‌شوند،	متفاوت
خسروی	این خدایان جعلی و دروغین) با وجود مخلوقیت مردگانی میباشند که قابلیت حیات ندارند.	صحیح
رضایی	(بت‌ها) مردگانی غیر زنده‌اند، و (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند که چه زمانی برانگیخته خواهند شد.	متفاوت
طاهری	[در واقع] مرده‌اند نه زنده و نمی‌فهمند که چه زمانی برانگیخته می‌شوند.	متفاوت
فولادوند	مردگانند نه زندگان، و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهند شد.	متفاوت
قرشی	مردگانند نه زندگان و نمی‌دانند که مشرکان چه زمانی مبعوث می‌شوند	متفاوت
مکارم شیرازی	آنها مردگانی هستند که هرگز استعداد حیات ندارند و نمی‌دانند (عبادت کنندگان) در چه زمانی محشور می‌شوند!	صحیح
مجتبوی	مردگانند نه زندگان و نمی‌دانند کی برانگیخته می‌شوند.	متفاوت

۲.۴.۵ تحلیل تفسیری

«کلمه "أموات" جمع کلمه "میت" است، و کلمه میت در مورد مخلوقی بکار می رود که قبلاً زنده بوده باشد. یا اینکه اگر فعلاً میت و مرده است، این استعداد را داشته باشد که بعداً روح در آن دمیده شود، و زنده گردد. مثلاً نظیر نطفه و تخم پرندگان که میت بالفعل و زنده بالقوه‌اند. چرا که این استعداد و قابلیت را دارند که بعداً زنده گردند. اما آن بت‌هایی که مشرکان از جماد و فلزات، نظیر: سنگ و چوب و طلا و نقره و ... به دست خویشتن می ساختند و می پرداختند نه تنها زنده نبودند، بلکه میت بودند. آن‌هم نه مثل میتی که قابلیت و استعداد پذیرش حیات و روح را داشته باشد. حال آنکه خود مشرکان حداقل این قابلیت و استعداد را داشتند که روح در بدنشان دمیده شود. بنابراین کلمه «غیرُ أحياء» به این منظور به کار رفته که بت‌های بت پرستان حتی نظیر اموات معمولی هم نیستند که لا اقل بتوانند استعداد پذیرش روح و حیات را داشته باشند، از عبادت پرستندگان خود آگاه کردند» (نجفی، ۱۳۹۸: ص ۱۴۸). برخی از مفسرین نیز بر همین عقیده اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۶۰۰؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴: ج ۱۳، ص ۱۰۲). لذا ترجمه زیر از این آیه پیشنهاد می شود:

«مردگانند که هرگز زنده نبوده اند ...»

۳.۴.۵ نمودار و تحلیل درصد صحت ترجمه



همان‌گونه که ملاحظه می شود ترجمه های ارائه شده از تکواژ "غیر" در این آیه که در بالا بدان پرداخته شد ترجمه آقایان خسروی، مکارم شیرازی به معنای وصف بودن "غیر"

در آیه اشاره کرده اند. برخی دیگر از مترجمین همچون بروجردی نیز در ترجمه خود معنایی نزدیک به معنای وصفی را ارائه داده اند. اما برخی دیگر از مترجمین هم چون آقایان آیتی، ارفع، الهی قمشه ای، برزی، پورجوادی، رضایی، طاهری، فولادوند، قرشی، مجتبوی، به معنای وصفی "غیر" در این آیه اشاره نداشته، و معنای آن را به صورت "غیر" وصفی و در معنای الّا ترجمه کرده اند.

۶. نتیجه گیری

با توجه به معانی مختلف کلمه "غیر" - وصف و استثنا - در استعمال، به نظر می رسد برخی مترجمین در تشخیص و ترجمه نوع این واژه دچار اشتباه شده اند، که این امر در ترجمه کل آیه تأثیرگذار بوده است. مهمترین نتایج و یافته های پژوهشی حاصل شده از مطالب ارائه شده عبارت است از:

۱. "غیر"، اسم بوده و از اسماء متوغله در ابهام محسوب می شود، پس به دلیل ابهام ذاتی اش و به جهت رفع این ابهام دائماً باید به جهت معنا اضافه گردد.
۲. "غیر"، یا به معنای صفت است و دلالت بر تغایر با مضاف الیه دارد و یا در موضع استثناء قرار می گیرد.
۳. میزان اشتباه مترجمین نابرده در این تحقیق، در تشخیص نوعیت واژه "غیر"، در برخی آیات قابل توجه است و نیاز به بازنگری در آن ترجمه ها احساس می شود.
۴. برخی از مترجمین نیز با دقت بیشتری به این کلمه نگریسته اند و تقریباً از اشتباه و اهمال دور مانده اند. از آن جمله می توان به تفسیر کشاف زمخشری اشاره کرد.

کتابنامه

- ابن عقیل، بهاءالدین عبدالله (۱۳۸۹ش)، شرح ابن عقیل، مترجم: سید علی حسینی، قم: دارالعلم.
حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳ش)، تفسیر اثنا عشری، تهران: میقات.
شریف لاهیجی محمد بن علی (۱۳۷۳ش)، تفسیر شریف لاهیجی، ارموی، تهران.
صفایی، غلامعلی (۱۳۸۷ش)، ترجمه و شرح مغنی الادیب، تهران، قدس.
صفایی، غلامعلی (۱۳۶۰ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی.

ارزیابی تکواژ وصفی "غیر" ... (علی اسودی و خدیجه احمدی بیغش) ۵۱

- عاملی ابراهیم (۱۳۶۰ش)، تفسیر عاملی، تهران، صدوق.
- مترجمان (۱۳۷۷ش)، تفسیر هدایت، مشهد، آستان قدس رضوی.
- نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ق)، تفسیر آسان، تهران، اسلامیة.
- ابن هشام انصاری، جمال الدین عبدالله (۱۴۲۱ق)، مغنی اللیب عن كتب الأعراب، کویت، التراث العربی.
- ابن هشام انصاری، جمال الدین عبدالله (۱۴۲۸ق)، أوضح المسالك إلى الفیة ابن مالک، مصر، شركة القدس للتصدير.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۹۸۴م)، التحریر والتنویر، تونس، دارالتونسیه للنشر.
- ابن عقیل، بهاء الدین عبدالله (۱۳۸۹ش)، شرح ابن عقیل، قم: دارالعلم.
- بدیع یعقوب، امیل (۲۰۰۶م)، موسوعة علوم اللغة العربیة، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- حسن، عباس (۱۳۸۸ش)، النحو الوافی، مصر، دارالمعارف.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
- درویش، محی الدین (۱۴۱۵ق)، اعراب القرآن و بیانہ، سوریه: دارالارشاد.
- دعاس، حمیدان قاسم (۱۴۲۵ق)، اعراب القرآن الکریم، دمشق، دارالمنیر.
- الرضی الاسترآبادی، محمد بن الحسن (۱۳۸۹ش)، شرح الرضی علی کافیة ابن الحاجب، قم، دارالمجتبی.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العرب.
- سیوطی، جلال الدین (۱۳۹۱ش)، الاتقان فی علوم القرآن، قم: ذوی القربی.
- صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ق)، الجدول فی اعراب القرآن، دمشق، دارالرشید.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش)، تفسیر جوامع الجامع، مشهد، آستان قدس رضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- عکبری، عبدالله بن حسین (۱۴۱۹ق)، التبیان فی اعراب القرآن، اردن، بیت الافکار الدولیه.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ق)، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- نحاس، ابوجعفر (۱۴۲۱ق)، اعراب القرآن (نحاس)، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- صدری، محمد جعفر (۱۳۹۰)؛ فصلنامه پژوهش و حوزه، سال دهم، شماره ۳۷.